

تبیین نظام حکومتی در بینش سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی: از مشروطه‌خواهی به جمهوری‌خواهی

عباس نعیمی*

زاهد غفاری هاشجین**

چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد ضمن بازخوانی اندیشه و مواضع سیاسی میرزا کوچک خان، به این پرسش اصلی پاسخ دهد که ساختار بینش سیاسی وی از چه مقوله‌هایی تشکیل شده و بر این اساس نظام حکومتی مورد نظر وی چه بوده است؟ روش تحقیق مقاله مطالعات تاریخی و روش گردآوری داده‌ها کتاب‌خانه‌ای است. یافته‌های تحقیق، در بُعد داخلی، مؤلفه‌های عدالت‌خواهی، استبدادستیزی، و نگرش مذهبی است و در بُعد خارجی در ذیل عنوان کلی منافع ملی، مقوله‌های حفظ تمامیت ارضی، و ملی‌گرایی است که شکل‌دهنده بینش سیاسی کوچک خان بوده است. بر اساس این مؤلفه‌ها این‌چنین نتیجه می‌شود که کوچک خان مشروطه‌خواهی بوده که بر اثر فشار عوامل داخلی و تحولات بین‌المللی جمهوری‌خواه شده است.

کلیدواژه‌ها: میرزا کوچک خان، نظام سیاسی، مشروطه‌خواهی، جمهوری‌خواهی.

۱. مقدمه

شکست مشروطه اول و پس از آن مشروطه دوم موجب سرخوردگی مبارزان مشروطه و مردم شد و حکمرانی استبداد داخلی زندگی را بیش از پیش بر مردم دشوار کرد. در این

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی (نویسنده مسئول) Abbas.naiemi@gmail.com

** استادیار علوم سیاسی، دانشگاه شاهد z_ghafari@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۲۲

حین وقوع جنگ جهانی اول و اشغال ایران، به‌رغم اعلام بی‌طرفی دولت مرکزی، زندگانی را برای مردم تحمل‌ناپذیر کرده بود. مستندات به تفصیل میلاد زخم حاکی از آن است که قوای بیگانه به کشتار و آزار اهالی شهرها و روستاها می‌پرداختند، به زنان و دختران تجاوز می‌کردند، اموال مردم را به تاراج می‌بردند و در کنار همه این‌ها قحطی نیز سایه خویش را بر کشور گسترانده بود (شاکری، ۱۳۸۶: ۷۹). اوضاع کشور در سال ۱۲۹۴ ش چنان بود که انگلیسی‌ها مناطق تحت کنترل خود را در جنوب گسترش دادند و روس‌ها، که مدتی پیش‌تر به واسطه حمله ترکان هم‌پیمان آلمان‌ها، از ایران بیرون رانده شده بودند دوباره راه ایران را در پیش داشتند و دولت مرکزی نیز در حفظ استقلال کشور ناتوان بود. این وضعیت اسفناک به برآمدن طولانی‌ترین جنبش تاریخ معاصر ایران منجر شد. «جنبش جنگل» عنوانی بود که بنا به هویت اعضای آن یعنی مبارزان جنگل‌های گیلان به این حرکت ضد استعماری - استبدادی داده شد که رهبری این جنبش با چهره‌ای کاریزماتیک «میرزا کوچک خان جنگلی» شناسانده شده است.

جنبش جنگل به رهبری میرزا کوچک خان جنگلی اعلام موجودیت کرد و با شعار مخالفت علیه سلطه خارجی و احیای استقلال ایران، افشار گوناگون مردم را جذب کرد. انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و رویکرد تحول‌یافته آن کشور جنگلی‌ها را به برقراری ارتباط با دولت بلشویکی روسیه ترغیب کرد. مداخله تصاعدی انگلیس و اقدام به توسعه نفوذش در شمال ایران به نبردی سخت و فرسایشی میان جنگل با نیروهای انگلیسی و قزاق منجر شد که در نهایت از هم پاشیدن «کمیته اتحاد اسلام» و شکست جبهه جنگل را در بهار ۱۲۹۸ ش در پی داشت.

پس از شکست کمیته اتحاد اسلام، کوچک خان که با تسلیم‌شدن دیگر رهبران جنگل مانند حاج احمد کسمایی و دکتر حشمت، که اعدام شد، تنها شده بود، با اندک نفرتش به جنگل‌های تنکابن گریخت و به تجدید قوا پرداخت. آن‌چنان که خبر تجدید فعالیت‌های وی در تیر همان سال به گوش می‌رسید و در نیمه آبان تهران از اخبار پیروزی‌های وی علیه نیروهای قزاق آکنده بود (صبوری، ۱۳۵۸: ۱۲۰، ۱۴۱). در همان زمان قرارداد ۱۹۱۹ ایران با انگلیس باعث افزایش احساسات ضد انگلیسی شده بود و پیروزی‌های بلشویک‌ها بر ارتش سفید و تهدید صدور انقلاب توسط شوروی همچون بادی مساعد بر کشتی جنگل وزیدن می‌گرفت.

مرحله سوم جنبش در ۲۹ اردیبهشت ۱۲۹۹ ش با ورود ناوگان شوروی به انزلی آغاز

شد که خود شامل سه زیرمرحله است. هم‌زمان با ورود بلشویک‌ها نیروهای جنگل با استقبال گسترده مردم وارد شهر شدند. این واقعه به توافقی با بلشویک‌ها منجر شد که تأسیس جمهوری شورایی ایران در گیلان را در پی داشت، ولی این ائتلاف به دلیل نقض توافقات از سوی جناح چپ و گسترش تبلیغات کمونیستی پس از چند هفته فروپاشید و کوچک‌خان به حالت قهر به منطقه پیشین خود، فومنات، رفت. این دوره را می‌توان زیرمرحله اول از مرحله سوم جنبش دانست که در آن کمونیست‌ها کم‌کم بر فضای جنبش حاکم شدند و میرزا در یک کشمکش مستمر و آشتی‌ناپذیر به حاشیه رانده شد.

در نتیجه کودتای چپ‌ها، در ۹ مرداد همان سال، کنترل شهر به دست جریان کمونیست به سرکردگی احسان‌الله خان دوست‌دار افتاد که نفوذ حزب کمونیست ایران در آن عمده بود. این دوره که تا پاییز همان سال ادامه یافت با قرائت رادیکال چپ‌ها برجسته شد و زیرمرحله دوم از مرحله سوم را تشکیل داد. با روی کار آمدن حیدر عمو اوغلی در قالب کمیته مرکزی دوم حزب کمونیست ایران، توافقات اولیه‌ای بین جریان چپ و میرزا در پاییز و زمستان ۱۲۹۹ ش شکل گرفت که نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۰۰ ش به ائتلاف دوباره منجر شد، لکن با تردید میرزا در همکاری با روس‌ها، این ائتلاف در مرداد همان سال فروپاشید. در ادامه این رویداد، نیروهای دولتی در پاییز برای سرکوب انقلابیون راهی گیلان شدند. خالوقربان به صورت توافقی رشت را تسلیم رضاخان کرد و درجه سرهنگی دریافت کرد. احسان‌الله خان به باکو گریخت و تنها میرزا در برابر قوای مسلح ارتش ایستادگی کرد و به جنگل‌های گیلان عقب‌نشینی کرد. ضمن این‌که حیدر عمو اوغلی در یک درگیری درون‌گروهی و در واقعه‌ای مبهم کشته شد. این دوره نیز معرف زیرمرحله سوم از مرحله سوم است. سرانجام جنبش جنگل با مرگ میرزا کوچک خان جنگلی در آذر ۱۳۰۰ ش بر اثر یخزدگی حین عبور از کوه‌های تالش، در حالی که تنها همراهش گائوک آلمانی بود، پایان یافت (رواسانی، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

در آثار پژوهشی مرتبط با نهضت جنگل به طور عام و شخصیت میرزا کوچک خان به طور خاص داوری‌های ضد و نقیضی ارائه شده است. وجود این آرای متکثر و بعضاً متناقض سبب شده است تا به دست دادن درکی دقیق از ساختار سیاسی اندیشه میرزا کوچک خان دشوار شود. منابع متکثری که درباره مواضع ایدئولوژیک کوچک خان وجود دارد، در دو طیف کلی تفکیک می‌شود که از یک سو وی را جدایی‌طلب و آشوب‌گر معرفی می‌کند (جهانبانی، ۱۳۴۰: ۲۶۳؛ بهار، ۱۳۷۱) و از سوی دیگر تصویری ملی‌گرا و

قانون طلب از وی ارائه می‌دهد (آشوری، ۱۳۵۱: ۳۱۹-۳۲۰؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۳۷؛ کاتم، ۱۳۵۷: ۱۶۰؛ شمیم، ۱۳۷۴: ۶۰۰؛ روشار، ۱۳۷۴: ۸). در مقاله حاضر کوشش شده است تا ضمن اعتنا به هر دو طیف، به منابع دست اول مانند روزنامه جنگل، مرام‌نامه جنبش، نامه‌ها و گزارش‌های سیاسی، و تألیفات اعضای جنبش تکیه شود تا ضمن به‌تصویرکشیدن ابعاد بینش سیاسی کوچک خان، نظام سیاسی مد نظر وی مشخص شود.

بر این اساس نظام مشروطه به معنای شکلی از سلطنت است که مشروط یا محدود به شرایط قانونی باشد (طلوعی، ۱۳۸۵: ۹۰۰) و جمهوری آن نوع حکومت است که در آن ریاست کشور موروثی نیست، مدت آن محدود، و انتخاب آن بر عهده مردم است (عاشوری، ۱۳۵۱: ۷۱). در واقع مشروطیت شکلی از جمهوری است که ریاست کشور به شکل موروثی به مقام شاه یا سلطان تعلق دارد لکن قانون منتج از مجلسی شامل نمایندگان مردم بر اختیارات شاه حد و مرز می‌نهد. بر این اساس می‌توان جمهوری را شکل تکامل یافته مشروطیت دانست.

۲. بسترهای فکری بینش سیاسی میرزا کوچک خان

بینش سیاسی کوچک خان در فعل و انفعالات منجر به انقلاب مشروطه قوام یافت. بر این اساس می‌توان چستی بینش سیاسی وی را در جریان‌های فکری مؤثر در مشروطیت واکاوی کرد. به طور کلی، در تحولات دوره مذکور سه جریان فکری ناسیونالیسم، اسلامی، و چپ قابل تشخیص است، که میرزا کوچک تحت تأثیر دو جریان نخست قرار داشته است (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲).

۱،۲ جریان ناسیونالیستی

در سال‌های منتهی به انقلاب مشروطه پنج سازمان عمده قابل تشخیص‌اند: مرکز غیبی، فرقه اجتماعیون عامیون، مجمع آدمیت، کمیته انقلابی، و انجمن مخفی. به نظر می‌رسد انجمن مخفی را بایستی طلیعه‌دار جریان ناسیونالیستی به شمار آورد (مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۵: ۲۴). انجمن مخفی خواهان اصلاحات گسترده اقتصادی، سیاسی، و اجتماعی بود (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۱۰۲). پس از کامیابی انقلاب مشروطه، دو حزب اجتماعیون عامیون و اجتماعیون اعتدالیون تأسیس شد که شاید بتوان دومی را، که به‌اختصار حزب اعتدالی خوانده می‌شد، پیشگام احزاب ناسیونالیستی در ایران دانست. مرام سیاسی حزب مذکور تلفیقی از تمایلات

آزادی خواهانه، قانون طلبانه، ناسیونالیستی، و وطن پرستانه با تعلقات دینی و مذهبی بود که در شاکله آن چهره‌های ملی‌گرا در کنار رجال مذهبی گرد آمده بودند (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵: ۲۹).

۲،۲ جریان اسلامی

از تأسیس حکومت صفویان تا اوایل سلطنت قاجاریان حدوداً سه قرن طول کشید تا روحانیت شیعه بتواند نظریه حکومت فقهی - شرعی مورد نظر خود را همچون بدیل نظریه سلطنت تدوین و به جامعه عرضه کند (قاضی مرادی، ۱۳۸۴: ۱۰۴). این جریان به دلیل برخورداری از اصالت و پایگاه اجتماعی قوی و رهبران روحانی همواره در جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران پیش‌تاز بوده است. در اواسط قرن نوزدهم سیدجمال‌الدین اسدآبادی نیز از دل این جریان اسلامی سر بر آورد. او ابتدا به شناسایی دردهای جوامع اسلامی و سپس به چگونگی درمان این دردها پرداخت و به ساختارهای تفکر موجود تکانه‌های جدی وارد کرد. اسدآبادی خواهان اتحاد علیه مبارزه با استعمار بریتانیا بود و کسانی را که در این مسیر گام بر نمی‌داشتند، به باد انتقاد می‌گرفت. «رساله نیچریه» که او را به عنوان مدافع اسلام شناسانده است نه بر جنبه‌های معنوی بلکه بر جنبه‌های اجتماعی مذهب تأکید دارد (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۸۱). شایع است که میرزای شیرازی فتوای تحریم تنباکو را در پی تماس وی اعلان کرد. البته برخی رد کرده‌اند که فتوای میرزا متأثر از نامه سیدجمال‌الدین بوده است (آدمیت، ۱۳۶۰: ۱۳).

بدین ترتیب تداوم این حرکت را در دوران ملت‌طلب مشروطیت نیز می‌توان ردیابی کرد. برخی از روحانیان با خواسته‌های جدید درباره تأسیس عدالت‌خانه و نهایتاً تشکیل مجلس و تدوین قانون اساسی همراه و بلکه پرچمدار مشروطیت شدند و بدین‌گونه روحانیان و ملیون روشنفکر در ایجاد انجمن‌های مشروطه‌خواه در کنار هم قرار گرفتند. همین انجمن‌ها به ویژه انجمن مخفی زمینه شکل‌گیری احزابی مانند حزب اعتدالی را مهیا کردند که روحانیان آزادی‌خواه در صدر آن جای داشتند.

علاوه بر این بایستی به تأثیر آیت‌الله سیدعبدالوهاب صالح ضیابری، استاد میرزا کوچک در حوزه علمیه اذعان داشت. وی که شاگرد مرجع بزرگ آیت‌الله کاظم خراسانی بود، رهبری روحانیت رشت در انقلاب مشروطه را بر عهده داشت و در پیوستن کوچک خان به جبهه مشروطه‌خواهان مؤثر بود. بر این اساس به نظر می‌رسد، تفکیک احزاب مذهبی و ملی در نخستین دوره تحزب در ایران (عصر مشروطه) امکان‌پذیر نیست (نعیمی، ۱۳۸۹: ۳۲).

چنین بیان‌های مشترکی از اسلام و ناسیونالیسم به شکل‌گیری جریان مذهبی با گرایش میهن‌دوستی کمک رساند و بستری برای تغذیه فکری و آتش‌خوری تئوریک برای میرزا کوچک خان جنگلی شد.

۳،۲ جریان چپ

با ظهور سرمایه‌داری روسیه در نیمه قرن نوزدهم و تغییرات اقتصادی - اجتماعی مرتبط با آن، پیوند یک‌سویه گذشته به رابطه دوسویه پویایی با پیامدهای سیاسی تبدیل شد. در واقع مهاجرت کارگران ایرانی به قفقاز، که عمدتاً در صنعت نفت باکو کار می‌کردند، عامل انتقال اندیشه‌های چپ از روسیه دست‌خوش تحولات انقلابی به ایران مستعد تغییر بود (شاکری، ۱۳۸۴: ۴۵). حضور ده‌ها هزار کارگر ایرانی مسلمان ساکن قفقاز، حزب سوسیال دموکرات روسیه را به فکر تدوین برنامه‌ای برای جذب آن‌ها انداخت. در این راستا سازمان جدیدی برای سامان‌دهی ارتباط سازمانی میان ایرانیان و حزب سوسیال دموکرات قفقاز با نام باشگاه یا سازمان «همت» تأسیس شد (مدیرشانه‌چی، ۱۳۸۵: ۹۹).

هم‌زمان در ایران کمیته انقلابی به رهبری ملک‌المتکلمین و ۵۷ روشنفکر رادیکال که اغلب به کتاب‌خانه ملی رفت و آمد داشتند اعلام موجودیت کرد. حزب همت با شعبه‌های متعدد مرکز غیبی در ایران، به همراه کمیته انقلاب در سال ۱۲۸۴ ش حزب اجتماعیون عامیون را در قفقاز و سپس خود ایران تشکیل دادند که حیدرخان عمو اوغلی رهبریش را بر عهده داشت. ملک‌الشعراى بهار در این زمینه این‌طور توضیح می‌دهد:

در سال اول فتح تهران رجب ۱۳۲۷ قمری مطابق ۱۹۰۸ میلادی در ایران دو حزب پیدا شد یکی انقلابی، دیگر اعتدالی و در همان سال بعد از افتتاح مجلس دوم این دو حزب به اسم دموکرات عامیون و اجتماعیون اعتدالیون رسمی شد و خودشان را به مجلس معرفی کردند (بهار، ۱۳۸۶: ۸).

بر اساس این توضیحات آغاز فعالیت سیاسی کوچک خان را می‌توان در تشکیل انجمن روحانیون رشت ردیابی کرد که در اعتراض به اقدامات سرکوب‌گرانه علاءالدوله تشکیل شده بود و به تهییج احساسات اهالی رشت همت داشت. در این راستا میرزا در قالب انجمن روحانیون به مشق نظامی پرداخت. وی در تبلیغ مشروطیت گاهی پیاده به اطراف رشت سفر می‌کرد. از جمله در حمایت و تشویق معترضان لشت‌نشایی در قیام علیه استبداد همراه بود و به همراه ۱۵۰ تن از مشروطه‌خواهان به کنسول‌گری عثمانی در رشت پناهنده

شد که ۲۰ روز به طول انجامید. با آغاز دوره استبداد صغیر و تنگ‌شدن عرصه بر مشروطه‌خواهان ناگزیر به سوی قفقاز و تفلیس راهی شد. به نظر می‌رسد این سفر نقش مهمی در ارتقای افکار آزادی‌خواهانه کوچک خان داشته است به‌خصوص که روسیه در آن دوران مسیر انقلابی‌اش را می‌پیمود.

گیلک تصریح می‌کند که دیدن زندگانی آن‌جا و احساس شهامت و فداکاری انقلابیون قفقاز، که مرکزشان در تفلیس بود، اساساً روح تازه‌ای به کوچک خان داده بود و او را بیش‌تر به آزادی علاقه‌مند کرده بود. قیاس فضای قفقاز با ایران آن‌چنان او را عصبانی کرده بود که طی نامه‌ای به دوستان خود در وطن می‌گوید: «علت این همه بیچارگی و سیه‌روزگاری از آن بود که از روز اول نخواستیم نه از جان و نه از جانان دست برداریم» (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۰).

میرزا بعد از بازگشت از تفلیس با نگاهی آزادی‌خواهانه‌تر به صف مجاهدان جهت فتح تهران پیوست. این‌که تا فتح تهران میرزا همراه سپاه بوده باشد جای شک است. به‌رغم تأیید حضور میرزا در فتح تهران در *سردار جنگل*، خود فخراپی به گونه‌ای متناقض در *گیلان* در جنبش مشروطیت اشاره به بازگشت کوچک خان و عده‌ای دیگر از مجاهدان به دلیل اختلاف با سردار محی دارد. به هر حال بعد از سقوط محمدعلی شاه و جانشینی احمدشاه، شاه مخلوع به کمک ترکمن‌ها و حمایت روسیه درصدد قشون‌کشی به تهران برآمد که کوچک خان در نبرد مقابل سپاه محمدعلی میرزا در گمش‌تپه حاضر بود و سخت زخمی شد به طوری که او را برای درمان (به منطق نزدیک‌تر است که برای جذب) به کنسول‌گری روسیه بردند. گویا میرزا در جواب پیشنهاد محمدعلی میرزا گفته بود: «من ترجیح می‌دهم مرگ را و حاضر نیستم که قدمی خلاف آمال ملیه‌ام بردارم» (مدنی، ۱۳۷۷: ۳۹).

برای تکمیل درمان وی را به بادکوبه بردند در حالی که اندک دارایی‌اش به یغما رفته بود. از آن‌جا که به حکم کنسول‌گری تزاری اجازه اقامت در موطن خود را نداشت پس از بازگشت به رشت راهی تهران شد که مقارن اولتیماتوم و هجوم روسیه به ایران در ۱۲۹۰ ش بود؛ لذا در شرایط بسیار دشوار و در فقر شدید زندگی می‌کرد. واقعه‌ای که در این دوران روی داد کشته‌شدن ناخواسته یک گدا بود که به اصرار از او پول نداشته‌اش را طلب می‌کرد. گدای سمج در یک لحظه با یک ضربه وی کشته شد. کوچک خان وحشت‌زده خود را به رئیس پلیس تهران تسلیم کرد. اما بعد از رضایت بستگان گدا آزاد شد (فخراپی، ۱۳۵۷: ۴۲).

کوچک خان طی ارتباط با هیئت اتحاد اسلام به همراه میرزا علی خان دیوسالار، معروف به سالار فاتح، راهی مازندران شد تا به برپایی جنبشی مسلحانه اقدام کند؛ لیکن به واسطه تشخیص مناسب بودن گیلان نزد حشمت‌الاطباء به لاهیجان شتافت و به کمک حاج احمد کسمایی عملیات چریکی خود را در جنگل‌های گیلان آغاز کرد.

در بیانی کلی می‌توان اذعان داشت که کوچک خان متأثر از دو جریان فکری اسلامی و ناسیونالیستی قرار گرفت. او در مبارزه خود ابتدا به تعالیم و آموزه‌های اصیل اسلام، مبتنی بر تعالیم تشیع، اتکا کرد و بر این اساس به اندیشه وطن‌دوستانه خود در تقابل با مداخلات و تهاجم بیگانگان قوام بخشید. ضمن این‌که قرابتش به اندیشه چپ تا آن‌جا بود که به درکی برابری خواهانه از نوع بشر منجر می‌شد نه آن‌چه قرائت مارکسیست - لنینیستی مراد می‌نمود.

۳. ابعاد داخلی بینش سیاسی میرزا کوچک خان

ابعاد داخلی بینش سیاسی کوچک خان عبارت است از: ۱. عدالت اجتماعی، که بیان‌گر مواضع وی در قبال ساختار اجتماعی دوران و خواسته‌های تحول‌طلبانه‌اش است؛ ۲. استبداد سیاسی، که مشخص می‌کند وی در قبال نظام سیاسی وقت چه موضعی داشته است و به لحاظ ایدئولوژیک در کدام قالب سیاسی قرار می‌گیرد. بر این اساس بر دو مؤلفه آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی شرح رفته است؛ ۳. قرائت مذهبی، که بیان‌گر قرائت وی از مقوله مذهب و جایگاه مؤلفه مذکور در نظام سیاسی مد نظرش است.

۱,۳ عدالت اجتماعی

با مذاقه در منابع دست اول، فخرایی یکی از اهداف سه‌گانه جنبش جنگل را «برقراری امنیت و رفع بی‌عدالتی» می‌داند و حاج احمد کسمایی نیز این‌گونه آورده است: «هدف ما این بود که پس از به‌دست آوردن استقلال و ایجاد یک حکومت ملی در سراسر کشور، اراضی مالکان بزرگ را میان زارعین قسمت کنیم و سوادآموزی را برای تمام مردم ایران اجباری کنیم» (هدایتی خوش کلام، ۱۳۸۳: ۴۷). علاوه بر این‌ها «فیلیپ روشار» هم یادآور شده است که: «... جنگلی‌ها همچنین خواهان بودند که بهره‌برداری از منابع کانی ملی به وسیله بیگانگان پایان یابد و سرمایه ملی در راه توسعه صنعت، ایجاد راه‌آهن، کارخانه‌های نساجی و چرم‌سازی ملی به کار رود و بالاخره نظام آموزشی نو و همچنین بیمارستان‌ها و

آزمایشگاه‌های مناسب پدید آید» (روشار، ۱۳۷۴) که همه این‌ها تقاضاهای عدالت‌محور کوچک خان را ترسیم می‌کند.

مرام‌نامه جنبش جنگل نیز در اصول ۱۶، ۲۰، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰ و ۳۱ از وجود قرائتی عدالت‌خواهانه نزد کوچک خان خبر می‌دهد که با برخی اصول متمم قانون اساسی مشروطه هم‌خوانی دارد (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). به نظر می‌رسد درک کوچک خان از مفهوم مجرد عدالت در کنار استقلال سامان می‌یافته است (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۶۳). وی در نخستین فرصت اقدام به مصادره اموال استعمارگران در داخل کشور می‌کند؛ بدان معنا که اموال ایشان را از آن ملت می‌داند: «... بانک روس در رشت از طرف میرزا کوچک خان مصادره شد» (برگ‌های جنگل، ۱۳۸۰: ۸۵).

میرزا در جایی دیگر با اشاره به عبارت سوسیالیسم بر درک خویش از عدالت اجتماعی تأکید می‌کند: «... راضی نمی‌شویم با دست ماها به اسم کمونیسم و یا حمایت از رنجبر، رنجبران را لکه‌دار کنند و آن‌ها را از گرسنگی بکشند و نام مقدس سوسیالیستی را لکه‌دار سازند» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۵۲). روس‌ها نیز جدا از تحلیل‌هایی که در روند جنبش یا در پایان آن از میرزا ارائه دادند، او را عنصری عدالت‌طلب تلقی می‌کنند (کریمی، ۱۳۸۲: ۴۱۱). مفهوم اصلی سوسیالیسم در بینش سیاسی و برنامه‌های میرزا در اصل همان مساوات و عدالت و برابری اجتماعی است و به‌هیچ‌وجه با مضمون سیاسی مصطلح آن که از ویژگی‌های تبلیغاتی دولت کمونیستی شوروی سابق بوده مترادف نیست. ضمن این‌که وی بارها بر این مهم تأکید کرده است که پیاده‌کردن برنامه‌ها و مشی کمونیستی در ایران ممکن نیست. او در نامه‌ای به لنین بر همین موضوع اصرار می‌ورزد (کردستانی، ۱۳۸۲: ۳۷۴).

۲،۳ استبداد سیاسی

۱،۲،۳ آزادی خواهی

دیدگاه کوچک خان درباره آزادی متأثر از عقاید مذهبی و جهان‌بینی خداپاورانه و تکاملی‌اش بود. ضمن این‌که به نحوی مترقیانه دیدگاه‌های مدرن فلسفه سیاسی را نیز دربر می‌گرفت. هنگامی که جنگلی‌ها رشت را به تصرف درآوردند، وی این نوع جهان‌بینی تلفیقی‌اش را در قالب اعلامیه‌ای در میان اجتماع بیان می‌کند: «خداوند متعال همه [انسان‌ها] را آزاد آفریده و بنده یک‌دیگر نیستند و طوق بندگی را نباید به گردن نهند. همچنین حق ندارند به ابنای نوع خود حاکم مطلق و فعال ما یشاء باشند. انبیا و اولیا و بزرگان دین و

فلاسفه و حکما و سوسیالیست‌های سابق و امروزی دنیا که غم‌خواران نوع بشرند هریک به نوبه خود انسان را از مزایای این حق مشروع طبیعی آگاه ساخته‌اند» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۶۶). به نظر می‌رسد کوچک خان مقام آزادی را مقدس می‌دانست که با مفهوم شرف و بزرگی همراه است و به این دلیل گروه خویش را به نام «احرار» می‌خواند. وی در نامه‌ای در این باره به مدیوانی نوشته است: «همه فداکاری‌های بنده و احرار جنگل برای وصول به آزادی است» (همان: ۲۹۰، ۳۶۱). البته تشریح این ادبیات انقلابی به شکل حقوقی در مرام‌نامه جنگل طی اصول ۴ و ۷ انعکاس یافته است که با اصول متمم قانون اساسی مشروطه هماهنگ است (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

هنگامی که کوچک خان از آزادی سخن می‌گوید تصویر مفهومی مجرد و انتزاعی را در ذهن نمی‌پروراند. او گاه آزادی را در هم‌نشینی با منافع ملی می‌نشانند. مثلاً در نامه‌ای به لنین، که البته بی‌پاسخ ماند، چنین می‌نویسد: «اگر ما از دخالت خارجی‌ها در کارهای داخلی و خارجی مان جلوگیری ننماییم، این دلیل می‌شود که ما به مقصود خود به آزادی نخواهیم رسید» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۱۷-۳۱۸) و گاه آزادی را در ترکیب با انسانیت و عدالت این‌گونه ترسیم می‌کند: «حاشا و کلاً عقیده ما ثابت و محکم است تمام افراد ما با حرارت سرشاری برای فداشدن در راه آزادی بی‌پروا هستند...» (همان: ۴۲۵). گاه نیز آزادی را در کنار حاکمیت ملت متجلی می‌بیند و بر پیوندش با استقلال تأکید دارد: «بی‌شرف می‌دانم آن کسی را که حقوق حاکمیت و استقلال ملت خود را با دست خود فدای شغل و مقام بیهوده کرده...» (همان: ۳۵۲). در بیانی دیگر نیز آزادی عقاید را به رسمیت می‌شناسد: «... من راحت ایرانی و همه ابنای بشر را بی تفاوت دین و مذهب شایقم...» (همان: ۳۵۲). در این راستا از طرف یکی از عناصر دولت مرکزی نقل می‌شود که: «تاکنون از میرزا کوچک خان استمدادی بر ضد بلشویک نشده...» (کریمی، ۱۳۸۲: ۴۰۸). از فهم این موارد در کنار هم تصویری نتیجه می‌شود که نشان‌گر قوام و تکامل فکر سیاسی و برداشت کوچک خان از محتوای آزادی و وسعت دایره تعریف و عمل آن است.

۲,۲,۳ قانون گرایبی

از جمله شاخص‌های مورد توجه در جهت تشخیص موافقت یا مخالفت تفکر سیاسی با استبداد، جایگاه قانون و قانون‌باوری در دستگاه تئوریک آن تفکر است. از آن‌جا که استبداد به معنای تمرکز قدرت در یک فرد تعریف می‌شود، وجود قانون و شدت قانون‌پذیری به

عنوان یک شاخص عمومی برای سنجش استبداد کارآمد است. بر این اساس اتهاماتی به کوچک خان وارد شده است. حبیب‌الله مختاری، مؤلف تاریخ بیداری ایران از کوچک خان و یارانش به عنوان اشرار و غارت‌گران نام می‌برد و امان‌الله جهانبانی در این باره می‌نویسد: «در شمال ایران میرزا کوچک خان علم طغیان‌گری و یاغی‌گری را برافراشته» (جهانبانی، ۱۳۴۰: ۲۶۳). اما علی‌اصغر شمیم این اتهام را کذب دانسته است (شمیم، ۱۳۷۴: ۶۰۰).

مرام‌نامه جنگل نیز دلالت‌های ضد استبدادی کوچک خان را بارز می‌کند. در اصل یکم چنین آمده است: «حکومت عامه و قوای عالیه در دست نمایندگان ملت جمع خواهد شد» (نعیمی، ۱۳۹۱: ۳۵۵). اصول ۲، ۵، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۵، ۲۱، ۲۲، و ۲۳ مرام‌نامه نیز مؤید اصول ۴۲، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۲۷-۳۴، ۵۸-۷۰، و ۷۱-۸۹ متمم قانون اساسی مشروطه است در تأکید بر قانون‌محوری و توسعه سیاسی-اجتماعی (امامی، ۱۳۸۲: ۹۴-۹۵). کوچک خان حتی با مقوله آزادی هم با نگرشی قانون‌مدارانه برخورد می‌کند: «خیانت‌کار می‌شمارم کسانی را که ... به نام پیش‌بردن آزادی مقاصد شخصی و منافع خصوصی را تعقیب نمایند» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۲۴). رویدادهای تاریخی جنبش نیز در برخورد با اسرای جنگی مؤید وجهه قانون‌خواهانه وی است (اخوان ارمکی، ۱۳۸۲: ۷۷). میرزا همه افراد را در برابر قانون برابر می‌دانست. او در ماده پنجم مرام‌نامه آورده است: «انسان آزاد به دنیا آمده و هریک از افراد در مقابل حقوقی که به او تعلق دارد مساوی خواهد بود» (همان: ۷۷). پیروی از قانون از نظر میرزا آن قدر با ارزش بود که در مرام‌نامه تأکید بر تسریع در امر قضاوت و رایگان‌بودن آن دارد. وی می‌گفت: «قضاوت باید سریع و ساده و مجانی باشد» (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۷).

۳,۳ نگرش مذهبی

در کتاب سردار جنگل از شخصیت مذهبی کوچک خان این‌طور یاد می‌شود:

میرزا یک ایرانی انده‌لیست و یک مرد مذهبی تمام‌عیار بود. هیچ‌گاه واجباتش ترک نمی‌شد و از نماز و روزه قصور نمی‌کرد و در بین دو نماز آیات 'ومن یتوکل علی الله فهو حسبه' و 'قل اللهم ملک الملائک' و 'لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله' را زمزمه می‌کرد (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۸).

مولفه مذهب، از ابتدا تا انتهای قیام، جایگاه خویش را در شاکله ایدئولوژیک جریان مذهبی ملی‌گرای جنگل حفظ کرد. پس از ورود میرزا به رشت و پیش از تأسیس جمهوری

او در نطقی با بیانی مذهبی به توصیف روند مبارزه می‌پردازد. او در این باره «از غلبه یزدان به اهریمن و تسلط حق به باطل سخن گفت ...» (همان: ۲۴۵).
بیانیه‌ای که در تأسیس جمهوری صادر شده به‌خوبی برداشت مذهبی ایشان را لحاظ کرده است:

هیچ قومی از اقوام بشر به آسایش و سعادت نائل نمی‌شود و به سیر شاهراه ترقی و تعالی موفق نمی‌شود مگر به حقوق خود واقف گشته کاملاً ادراک کند که خدای متعال همه آن‌ها را آزاد آفریده، بنده و ذلیل هم‌دیگر نیستند و طوق بندگی را نباید به گردن بیندازند و همچنین به ابناى جنس خود حق ندارند حاکم مطلق و فعال مایرید باشند ... (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۷۵-۲۷۶).

به این ترتیب آزادی، عدالت، و نفی ستم‌گری در بستر مذهب جمع می‌شود و همه کسانی که در این مسیر راه پیموده‌اند در طریق مذهب بوده‌اند (همان). با چنین چشم‌اندازی میرزا و یارانش انگیزه لازم برای مقابله با مشکلات را داشتند. میرزا در نامه‌ای چنین می‌نویسد: «بنده به حول قوه الهی مستغنی از هرگونه کمک و معاضدت بوده هیچ چیز بر عزم آهنین و اراده متین و استوارم رخنه نمی‌کند ...» (همان: ۴۸۹).

آخرین نامه میرزا کوچک خان (۵ آبان ۱۳۰۰ ش) که تقریباً یک ماه پیش از مرگش نوشته شده است دربرگیرنده بینشی است که نشان می‌دهد او ضمن واقع‌گرا بودن و توجه به مصائب، با امیدی خداپاورانه و فرامادی گام برمی‌دارد (همان: ۵۰۴-۵۰۵). در واقع با نوعی نگرش مذهبی روشن‌گرایانه مواجهیم که فارغ از خرافه و جهل به سمت آگاهی، مسئولیت، امیدواری، آزادی، و پایداری هدایت‌گر است و می‌توان آن را از سنخ و جنس الهیات رهایی‌بخش دانست که در بسیاری از جنبش‌های اسلامی معاصر نیز قابل شناسایی است. رد پای این نگرش خاص مذهبی را می‌توان به گونه‌ای آشکار در مرام‌نامه جنبش جنگل در اصول ۳، ۹، ۱۸، و ۱۹ مشاهده کرد (نعیمی، ۱۳۸۹: ۲۲۷). لذا ادعای خرافاتی و متحجر بودن کوچک خان مردود است.

۴. ابعاد خارجی بینش سیاسی میرزا کوچک خان

ابعاد خارجی بینش سیاسی وی بر آن بخش از تفکرات و مواضعش دلالت دارد که در تقابل با عناصر بین‌المللی و دول بیگانه معنا می‌یابد و به طور مشخص می‌توان آن را منافع ملی نام نهاد. در این راستا دو مؤلفه عمده استقلال و تمامیت ارضی و ملی‌گرایی شرح داده شده است.

۱,۴ منافع ملی

۱,۱,۴ استقلال و تمامیت ارضی

بحث‌ها پیرامون ماهیت ملی‌گرایانه جنبش جنگل آن را در معرض اتهام تجزیه‌طلبی قرار می‌دهد. مخبرالسلطنه هدایت از جمله کسانی است که تلاش میرزا را در جهت تجزیه‌گیلان از بدنه خاک ایران دانسته است (هدایت، ۱۳۷۴: ۱۷). لیکن علی‌اصغر شمیم بر وطن‌پرستی وی اصرار کرده است (شمیم، ۱۳۷۴: ۶۰۰). شاپور رواسانی نیز درباره اتهام تجزیه‌طلبی نسبت به میرزا می‌نویسد: «میرزا و یارانش با هر نوع فکر تجزیه‌طلبی و جدایی از کشور مخالف بودند و هدف اصلی‌شان که بارها اعلام می‌شد به دست آوردن استقلال و آزادی برای کل جامعه ایرانی بود نه یک منطقه» (رواسانی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). همچنین پیترو آوری اشاره دارد «دکتر عیسی صدیق اعلم [مدیر کل آموزش و پرورش گیلان] ... گواهی می‌دهد که کوچک خان تلاش می‌کرد تا به تجدید حیات کشور خود پردازد» (آوری، ۱۳۷۷). ابراهیم فخرایی که از نزدیک با جنگل همراه بود معتقد است: «میرزا و دیگر یارانش هیچ‌گاه به این مسئله [جدایی‌طلبی] نمی‌اندیشیدند؛ زیرا معتقد بودند اعلام خودمختاری نوعی پراکندگی و تجزیه مملکت است» (روزنامه دامون، ۳: ۱۳۵). فیلیپ روشار در تحلیلی همه‌جانبه از ماهیت و اهداف جنبش جنگل می‌گوید: «در واقع سیاست جنبش جنگل خواستار وضع قانون اساسی، ایجاد یک دولت ملی برخوردار از یک ارتش ملی، الغای نظام کاپیتولاسیون، که اروپاییان پدید آورده بودند، شد» (روشار، ۱۳۷۴). از سویی میراحمد مدنی هم بر این اعتقاد است که «میرزا کوچک و همراهانش اهتمام داشتند که بیگانگان در امور داخلی ایران مداخله نکنند و ایران بایستی به دست ایرانی اداره شود» (مدنی، ۱۳۷۷: ۷۳). روزنامه جنگل نیز درباره این اتهام موضع‌گیری صریحی دارد: «بانی این تهمت‌ها و قائد این افتراها و مؤسس این فسادها دولت عدالت‌کش انگلیس است» (جنگل، ۸). از مفاد نامه کوچک خان به سفیر شوروی هم روحیه تجزیه‌طلبی فهم نمی‌شود بلکه وی از موضع ملی وارد شده است (شایسته، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

نهضت جنگل به منزله متولد شرایط تاریخی ایران، بحث استقلال ملی را در رأس اهداف و برنامه‌هایش قرار داده بود (هدایتی خوشکلام، ۱۳۸۳: ۷۳). جنگلی‌ها می‌گفتند که: «... ما قبل از هر چیز طرفدار استقلال مملکت ایرانیم ...» (جنگل، ۵). آن‌ها در توضیح درک خود از مفهوم استقلال چنین بیان می‌کردند که: «استقلال به تمام معنی کلمه، یعنی بدون اندک دخالت و نظریاتی از هیچ دولت اجنبی و از این نقطه نظر تمام دول اجانب، چه

هم جوار چه غیر هم جوار در مقابل یکسان است» (جنگل، ۲۸). جنگلی‌ها در مسیر استقلال‌طلبانه خویش بین متجاوزان تفاوتی قائل نبودند و این مفهوم را با صریح‌ترین ادبیات اعلام می‌کردند: «هرکس به مملکت ما سوق قشون نموده بی‌طرفی ما را نقض نماید او را متعدی و متجاوز خواهیم دانست؛ خواه روس و انگلیس باشد خواه عثمانی و آلمان» (جنگل، ۱۵).

میرزا کوچک خان در یکی از نامه‌هایی که به لنین نوشته است می‌گوید: «ما معتقدیم که قدم اول را برای آزادی در ایران برداشته‌ایم لیکن خطر از جانب دیگر به ما روی آورده است ... زیرا به جای مداخله یک دولت خارجی، که تاکنون وجود داشته، مداخله دولت خارجی دیگر شروع شده است» (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۵۲). از متن نامه چنین برداشت می‌شود که میرزا به‌رغم مخالفت با بسیاری از افکار لنین و تروتسکی، در مورد تسلط ملت‌ها بر مقدرات خود به‌روشنی گفته‌های آن‌ها را تأیید می‌کند و خویش در مقام اجرای آن‌ها برمی‌آید (همان: ۳۰۱). به‌رغم این مواضع محکم و روشن در مقابل روس‌ها، میرزا کوچک در مقام انتخاب میان راه‌های موجود ناچار از انعقاد قرارداد با بلشویک‌ها شد.

۲,۱,۴ ملی‌گرایی

جنش منتسب به کوچک خان انگیزه قیام مسلحانه‌اش را این‌گونه بیان می‌داشت: «جنگلی‌ها می‌گویند ایران مال ایرانی است. دست اغیار باید از استیلای به این مملکت به کلی قطع شود» (جنگل، ۱۳). باید توجه داشت که جنگل جریانی بود با گرایش مذهبی که می‌توانست به جهت‌گیری‌هایی ضعیف در دفاع از منافع ملی و بیش‌تر در جهت منافع دیگر کشورهای اسلامی منتهی شود. به‌خصوص که خلافت عثمانی به عنوان اصلی‌ترین قطب جهان اسلام هم‌چنان برقرار بود. لیکن ضمن مرزبندی قاطع با چنین گرایشاتی، وظیفه خود را پایداری بر سر منافع ملی ایران دانست: «حفظ این آب و خاک ایران و وطن مقدس ایرانیان در نظر ما بر تمام بلاد و ممالک اسلامی مقدم است و بعد از موفقیت به آن‌جا وظایف ایرانی‌ت‌الته برادران اسلامی مادامی که به وظایف اخوت خود عمل کنند بر دیگران مقدم خواهد بود» (جنگل، ۲۸).

درباره ملت‌باوری آمده است که هر ملت سرزمین خاصی دارد. وفاداری به خاک و فداکاری برای پاسداری از آن و بزرگداشت آن از پایه‌های ملت‌باوری است. ملی‌گرایی ایدئولوژی‌ای است که دولت ملی را عالی‌ترین شکل سازمان سیاسی می‌داند و مبارزه

ملی گرایانه بر ضد چیرگی و تاخت و تاز برای به وجود آوردن یا پاسداری از چنین دولتی است (آشوری، ۱۳۵۱: ۳۱۹-۳۲۰). دیدگاه‌هایی که ژنرال دانسترویل و خان ملک ساسانی درباره میرزا کوچک ابراز داشته‌اند بر تعریف فوق از ملی‌گرایی دلالت دارد. دانسترویل درباره جنبش جنگل اشاره داشته است: «رهبرشان میرزا کوچک خان است، او اصلاح‌طلبی شرافت‌مند و درست‌کار است که فریاد مبارزه‌طلبی‌اش، یعنی ایران از آن ایرانیان است، حقانی‌ترین فریاد است» (روشار، ۱۳۷۴: ۸). خاطره‌ای که خان ملک ساسانی از دیدار خویش با میرزا ثبت کرده است بیان‌گر آگاهی ملی وی است (ساسانی، ۱۳۵۴). ریچارد کاتم با ارائه شواهدی از دیدگاه‌های جنبش جنگل در مناسبات خارجی چنین بیان می‌کند که ایشان علیه همه دشمنان از روس و انگلیس تا عثمانی و آلمان یک‌سان جنگیدند (کاتم، ۱۳۵۷: ۱۶۰). رضاخان سردار سپه نیز که سرکوب نهایی قیام به پای او نوشته شده است، قیام میرزا را در راستای میهن‌پرستی ارزیابی کرده است (فخرایی، ۱۳۵۷: ۳۳۷).

پس از ورود روس‌های سرخ، کوچک خان به شکلی خصوصی، به یکی از یارانش گفته بود: «خداوند شاهد است هرگز راضی نیستم با اجانب و خارجی‌ها درصدد اداره امور وطن و مملکت باشم» (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۴۸۳). یکی از مقامات کمیساریاری خارجی شوروی پیش از انجام کودتا درباره میرزا چنین اظهار نظر کرده بود: «او یک ناسیونالیست است و نسبت به انگلیسی‌ها که ایران را به بندگی کشانده‌اند و دولت تهران که خود را به آن‌ها فروخته است نفرت عمیقی دارد» (کریمی، ۱۳۸۲: ۴۰۷). انگلیسی‌ها هم وجه ملی میرزا را بسیار برجسته می‌دانند. در یکی از گزارش‌های سفارت انگلیس آمده است: «یکی از راه‌های بر سر عقل آوردن کوچک خان گفت‌وگوی صریح با وی و تشریح عواقب وخیم اقدامات او برای ایران و ایرانیان است» (همان: ۴۰۷) و در یکی دیگر از این گزارش‌ها به این مطلب برمی‌خوریم که: «روس‌ها از میرزا کوچک خان دل‌سرد شده‌اند؛ زیرا که او را یک ایرانی ناسیونالیست شناخته‌اند» (همان: ۴۰۷). در نهایت جان فوران نیز تصویری ملی‌گرا از کوچک خان ترسیم کرده است (فوران، ۱۳۸۹: ۲۹۸).

۵. چرخش از مشروطه‌خواهی به جمهوری‌خواهی

سیر تحول ایدئولوژیک کوچک خان از مشروطه‌خواهی به جمهوری‌خواهی ذیل دو پارامتر عمده قابل فهم است: ۱. سرخوردگی نسبت به احیای نظام مشروطه؛ ۲. تحولات بین‌المللی.

برای درک بهتر این دو پارامتر، بایستی بینش سیاسی کوچک خان و تطور آن را در سه مرحله از جنبش جنگل تحلیل کرد:

۱. از ابتدای جنبش (۱۲۹۴ ش) تا از هم پاشیدن کمیته اتحاد اسلام و آغاز راهپیمایی بزرگ (فروردین ۱۲۹۸ ش)؛

۲. بعد از راهپیمایی بزرگ و استقرار در منطقه آلیان (اردیبهشت ۱۲۹۸ ش) تا آغاز انقلاب جنگل (خرداد ۱۲۹۹ ش)؛

۳. از تأسیس جمهوری (خرداد ۱۲۹۹ ش) تا مرگ میرزا کوچک جنگلی (آذر ۱۳۰۰ ش). شاخص مرحله نخست در ارتباط با نظام سیاسی مد نظر کوچک خان، مشروطه‌خواهی و اعلام وفاداری به شاه ذیل ایجاد دولتی مستقل از نفوذ بیگانگان و برپایی مجلس شورای ملی است (جنگل، ۱۳). لیکن تلاش چهارساله جنگل ذیل بینش سیاسی مذکور ناکام ماند و نه تنها دولت و مجلس ملی شکل نگرفت بلکه بیش‌ترین فشارها برای سرکوب جنبش نیز به دست دولت مرکزی انجام شد. با بی‌نتیجه‌ماندن مذاکرات، وثوق‌الدوله سه سیاست عمده را در پیش گرفت: ۱. ایجاد فشارهای غیر مستقیم مانند آزار مردم و هواداران جنگل که در قالب حکمرانی تیمورتاش پیاده شد (متولی، ۱۳۸۲: ۴۶۹-۴۷۰؛ فخرایی، ۱۳۵۷: ۱۸۱-۱۸۲)؛ ۲. ادامه مذاکرات با سایر سران جنگل و ایجاد دودستگی بین رهبران که درباره افرادی مانند حاج احمد کسمایی نتیجه داد؛ ۳. اعزام نیروهای نظامی که در نهایت با حمله قوای قزاق - انگلیس، جنگل را تا مرحله نابودی پیش برد (نعیمی، ۱۳۸۹: ۱۰۴). بر این اساس ناکامی بیش از چهار سال مقاومت مشروطه‌خواهان، کوچک خان را نسبت به اصلاح‌پذیری نظام سلطنتی و احیای مشروطه سرخورده و ناامید کرد. به گونه‌ای که مرحله دوم، که همچون مرحله گذار از مشروطه‌خواهی به جمهوری‌خواهی است، را دارد و مرام‌نامه جنبش را، که متصور نظام جمهوری است، می‌توان محصول همین دوره گذار دانست که در مرحله سوم عملی شد.

وی به این باور رسیده بود که برقراری حکومت قانون منوط به الغای سلطنت و برچیده شدن نظام سلطنتی در ایران است و باید با تأسیس نظام جمهوری، که با فرهنگ ملی و مذهبی ایرانی نیز سازگار باشد، به فضایی مناسب برای استقرار آزادی، عدالت، امنیت، و رفاه اجتماعی دست یافت. او در شرح این مواضع می‌گوید:

برای نجات ایران از فساد و فقر که از نفوذ قدرت‌های خارجی سرچشمه می‌گیرد باید نظامی جمهوری و سوسیالیستی که با مشروطیت و دموکراسی فاصله چندانی ندارد

پیاده کرد، رنجبران را از دست راحت‌طلبان برهانیم و لیکن درباریان تن در نمی‌دهند که مملکت ما با قانون مشروطیت از روی پروگرام دموکراسی اداره گردد (کردستانی، ۱۳۸۲: ۳۷۳).

مرحله سوم از سیر تحول ایدئولوژیک کوچک خان در ارتباط با تحولات بین‌المللی قابل فهم است. به گونه‌ای که این تحولات بین‌المللی که با گسترش جماهیر شوروی در آسیا همراه بود، بر سرعت تحول بینش سیاسی کوچک خان به جمهوری‌خواهی تأثیر نهاد. کوچک خان که پس از احیای جنبش در ۱۲۹۸ ش یک سال تحت نفوذ ایل آلیان و فشارهای نظامی دولت مرکزی در منطقه فومنات محصور شده بود طی تماس‌هایی سعی در ایجاد ارتباط با بلشویک‌ها، به منظور فراهم آوردن تجهیزات جنگی، کرده بود. اسناد حاکی از آن است که وی خواهان حمایت تسلیحاتی چپ‌ها بدون دخالت ایدئولوژیک ایشان در امور ایران بوده است (جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۳۵-۱۳۶).

سرانجام با ورود ناوگان دریایی بلشویک به انزلی که پیش‌تر آذربایجان را تصرف کرده بود، طی معاهده‌ای نه‌ماده‌ای بین کوچک خان و چپ‌ها جمهوری ایران در گیلان اعلام شد. به نظر می‌رسد کوچک خان، که مؤلفه‌های سوسیال دموکراتیک در سیر تحول ایدئولوژیک‌اش افزایش یافته بود و مرام‌نامه جنبش گواهی بر آن است (گیلک، ۱۳۷۱: ۵۲۷)، زیر فشار دولت مرکزی و چپ‌های انقلابی گزینه‌ای جز ائتلاف با چپ‌ها نداشت؛ چراکه نهایتاً در برخی پارامترهای ضد استبدادی و ضد استعماری قرابت بیش‌تری با چپ‌ها داشت. البته چپ‌ها از اعلان جمهوری همانا جمهوری شورایی را مد نظر داشتند، لیکن کوچک خان خواهان جمهوری مبتنی بر سوسیال دموکراسی بود. بررسی مفاد معاهده این ادعا را اثبات می‌کند. بر اساس معاهده، چپ‌ها تعهد کرده بودند که هیچ‌گونه فعالیت کمونیستی در ایران انجام نشود (فخرایی، ۱۳۵۷: ۲۴۴). لیکن نقض مفاد معاهده که ناشی از تعارضات ایدئولوژیک مابین کوچک خان (معتقد به تعالیم اسلامی) و چپ‌ها بود به فروپاشی ائتلاف مذکور منجر شد.

۶. نتیجه‌گیری

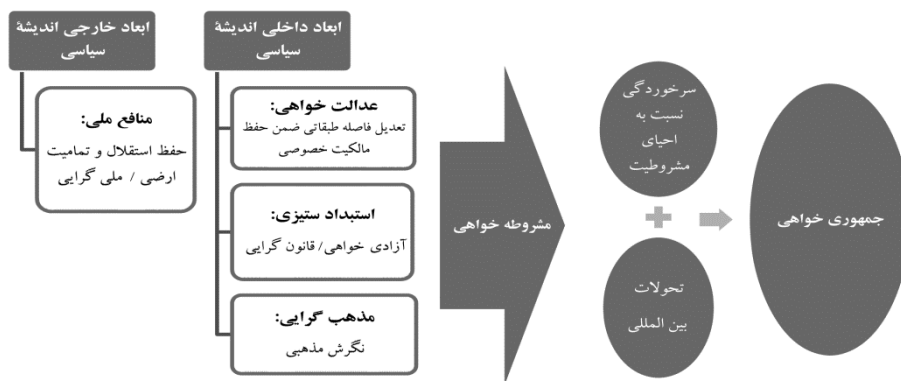
نظام سیاسی ایران معاصر تحولات ساختاری متکثری در چندین حکومت را تجربه کرد که خاستگاه آن را منطقی‌می‌توان در بسترهای نظری و عملی مشروطیت جست‌وجو کرد. بر این اساس پرسش اصلی مقاله عبارت است از این که نظام سیاسی مدنظر کوچک خان چه

بوده است؟ بینش سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی که بر بستر فکری اسلامی و ناسیونالیستی شکل یافته بود، ذیل دو پارامتر عمده ابعاد داخلی و ابعاد خارجی قابل تشخیص است. عدالت‌خواهی در عرصه اجتماعی، مبارزه با استبداد سیاسی، و ارائه قرائتی رهایی‌بخش از مذهب، ابعاد داخلی اندیشه کوچک خان را تشکیل داده است. شاخص قراردادن منافع ملی ذیل دو مقوله حفظ تمامیت ارضی و ملی‌گرایی نیز نشان‌گر ابعاد خارجی بینش سیاسی وی است.

از مستندات برمی‌آید که کوچک خان آشکارا عدالت‌خواهی را از اهداف اصلی حرکت تغییرطلبش بیان می‌کند. آن عدالت‌خواهی که مد نظر وی است نه در پی انقلابی ساختاری بلکه مبتنی بر کاستن فاصله و تعدیل طبقاتی است. البته مکانیزم‌های این تعدیل طبقاتی در تفکر میرزا مشخص نشده است. از طرفی او که در معرض اندیشه‌های نوین در فقه‌آزادگی و نیز فضای دموکراتیک‌گونه مشروطیت قرار گرفته بود در بینش سیاسی‌اش جایی ویژه به مولفه استبدادستیزی اختصاص داده بود. استبدادستیزی کوچک خان ذیل دو مقوله آزادی‌خواهی و قانون‌گرایی ارزیابی می‌شود. تأثیرات فضای مشروطه و جریان ترقی‌خواه در پررنگ‌بودن اعتقاد وی به آزادی عقیده و اهمیت جایگاه قانون برای کنترل نظام سیاسی و مدیریت نظام اجتماعی مؤثر بوده است و مهم آن‌که وی در سیر مبارزاتی‌اش از مشروطه‌طلبی به جمهوری‌خواهی تحول می‌یابد.

کوچک خان که تحصیلات را از مکتب‌خانه آغاز کرده بود و از حوزه علمیه به صف مشروطه‌طلبان پیوسته بود در آرای سیاسی‌اش نیز متأثر از آموزه‌های دینی بود. لیکن قرائتی رهایی‌بخش و اجتماعی از باور دینی عمیقش ارائه می‌داد. وی از پتانسیل‌های مؤلفه‌های موجود در فرهنگ سیاسی اسلام مبتنی بر تعالیم تشیع و الهام‌گیری از آن در راه مبارزه و تحقق آرمان‌های مذهبی خویش بهره می‌برد. با وجود دین‌باوری عمیق، اتهام خرافاتی‌بودن به وی وارد شده است که بر اساس مستندات قابل تأیید نیست. به لحاظ هستی‌شناختی، نگرانی نسبت به ازدست‌رفتن تمامیت ارضی ایران در فقدان دولت مرکزی مقتدر از دلایل عمده شکل‌گیری جنبش جنگل تحت زعامت کوچک خان بوده است. با وجود بنیان محلی جنبش جنگل، اسناد موجود که در متن بدان‌ها اشاره شد، دلالت بر ملی‌گرایی رهبری جنگل دارد؛ به ویژه آن‌که گزارش‌های سفارت‌خانه‌های دول گوناگون دلالت بر کنارنیامدن کوچک خان با ایشان دارد. بنابراین انتساب اتهام تجزیه‌طلبی به وی ناموجه است. از کلیت بحث حاضر، عدالت‌خواهی، استبدادستیزی، و نگرش مذهبی بینش سیاسی

کوچک خان در ابعاد داخلی نتیجه می‌شود. در ابعاد خارجی نیز عنصر منافع ملی مؤکد بر حفظ تمامیت ارضی و ملی‌گرایی استخراج می‌شود. این مؤلفه‌ها از شاخص‌های عمده مشروطه‌طلبی است. ضمن این‌که سرخوردگی نسبت به اصلاح نظام سلطنتی و احیای مشروطه که با عدم توفیق در چهار سال مبارزات چریکی حاصل شده بود از یک‌سو و از سوی دیگر نیز فشار تحولات بین‌المللی که با گسترش جماهیر شوروی در شرق همراه بود، باعث جمهوری‌خواهی در کلیت بینش سیاسی کوچک خان شد. بنابراین همان‌گونه که در نمودار ۱ آمده است، در یک جمع‌بندی کلی بایستی کوچک خان را با توجه به اعتقادات عمیق دینی مشروطه‌طلبی دانست که نهایتاً به یک جمهوری‌خواه تحول یافته است.



نمودار ۱. مدل نظام حکومتی در بینش سیاسی میرزا کوچک خان

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹). *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۰). *آشفتگی در فکر تاریخی*، بی‌جا: بی‌نا.
- آشوری، داریوش (۱۳۵۱). *فرهنگ سیاسی*، تهران: مروارید.
- آوری، پیتر (۱۳۷۷). *تاریخ معاصر ایران، از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*، ج ۱، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اخوان ارمکی، عباسعلی (۱۳۸۲). «آزادی از دیدگاه میرزا کوچک خان»، در *مجموعه مقاله‌های همایش بازشناسی نهضت جنگل*، رشت: شهر باران.
- امامی، فیض‌الله (۱۳۸۲). «بررسی مرام‌نامه جنبش جنگل»، در *مجموعه مقاله‌های همایش بازشناسی نهضت جنگل*، رشت: شهر باران.

۱۳۰ تبیین نظام حکومتی در بینش سیاسی میرزا کوچک خان جنگلی ...

برگ‌های جنگل، نامه‌های رشت و اسناد نهضت جنگل (۱۳۸۰). به کوشش ایرج افشار، تهران: نشر و پژوهش فروزان.

بهار، ملک الشعرا (۱۳۸۶). تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
پیشه‌وری، جعفر (۱۹۸۶). یادداشت‌های زندان، لوس آنجلس، بی‌نا، نقل شده در شاکری، خسرو (۱۳۸۶).
میلاذ زخم، جنبش جنگل و نخستین جمهوری سوسیالیستی ایران، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.

جنگل (۱۵ جمادی‌الآخر ۱۳۳۶). ش ۲۸.

جنگل (۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۵). ش ۹.

جنگل (۱۷ ذیحجه ۱۳۳۵). ش ۱۲.

جنگل (۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۳۶). ش ۲۴.

جنگل (۲۳ محرم ۱۳۳۶). ش ۱۵.

جنگل (۲۴ ذیحجه ۱۳۳۵). ش ۱۳.

جنگل (غره شوال ۱۳۳۵). ش ۵.

جنگلی، میرزا اسماعیل (۱۳۵۷). قیام جنگل، با مقدمه و کوشش اسماعیل رائین، تهران: جاویدان.

جهانبانی، امان‌الله (۱۳۴۰). «خاطراتی از اوضاع قبل از کودتای ۱۲۹۹»، سال‌نامه دنیا، بی‌جا.

دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱). حیات یحیی، ج ۴، تهران: عطار و فردوس.

رواسانی، شاپور (۱۳۸۴). نهضت جنگل، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

روزنامه دامون (۱۳۵۹). مصاحبه با ابراهیم فخرایی، ش ۳.

روشمار، فیلیپ (۱۳۷۴). «اصلاح‌طلبی و سنت (جنبش جنگل از ۱۲۹۴ تا ۱۳۰۰ ه.ش)»، ترجمه ع روح‌بخشیان، ماه‌نامه گیله‌وا، ش ۳۴.

شاکری، خسرو (۱۳۸۴). پیشینه‌های اقتصادی - اجتماعی جنبش مشروطیت و انکشاف سوسیال دموکراسی در آن عهد، تهران: اختران.

شاکری، خسرو (۱۳۸۶). میلاذ زخم، جنبش جنگل و نخستین جمهوری سوسیالیستی ایران، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران: اختران.

شایسته، فریدون (۱۳۸۲). «شخصیت میرزا کوچک و ماهیت نهضت جنگل در آینه داور»، در مجموعه مقاله‌های همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت: شهر باران.

شمیم، علی‌اصغر (۱۳۷۴). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: نشر افکار.

صبوری دیلمی، محمدحسن (۱۳۵۸). نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل، تهران: مؤلف.

طلوعی، محمود (۱۳۸۵). فرهنگ جامع سیاسی، تهران: نشر علم.

عاشوری، داریوش (۱۳۵۱). فرهنگ سیاسی، تهران: مروارید.

فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۷). سردار جنگل، تهران: جاویدان.

فوران، جان (۱۳۸۹). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۱۷۹

- شمسی تا انقلاب، ترجمه احمد تدین، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- قاضی مرادی، حسن (۱۳۸۴). *نوسازی سیاسی در عصر مشروطه ایران*، تهران: اختران.
- کاتم، ریچارد (۱۳۵۷). *ناسیونالیسم در ایران*، ترجمه فرشته سرلک، تهران: گفتار.
- کردستانی، سوران (۱۳۸۲). «قیام جنگل و مشترکات آن با قیام کردها»، در مجموعه مقاله های همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت: شهر باران.
- کریمی، بهنام (۱۳۸۲). «ایدئولوژی نهضت جنگل»، در مجموعه مقاله های همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت: شهر باران.
- گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱). *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: گیلکان.
- متولی، یوسف (۱۳۸۲). «جنبش جنگل در دوران فرمانروایی سردار معظم خراسانی»، در مجموعه مقاله های همایش بازشناسی نهضت جنگل، رشت: شهر باران.
- مدنی، میراحمد (۱۳۷۷). *جنبش جنگل و میرزا کوچک خان*، به کوشش سیدمحمدتقی میرابوالقاسمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مدیر شانه‌چی، محسن (۱۳۸۵). *فرهنگ احزاب و جمعیت‌های سیاسی ایران*، تهران: نگاه معاصر.
- نعیمی، عباس (۱۳۸۹). «جریان‌شناسی سیاسی جنبش جنگل»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه شاهد.
- نعیمی، عباس (۱۳۹۱). *جریان‌شناسی سیاسی جنبش جنگل*، تهران: چاپخش.
- هدایت، مخبرالسلطنه (۱۳۷۴). *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.
- هدایتی خوشکلام، منوچهر (۱۳۸۳). *یادداشت‌های احمد کسمايي از نهضت جنگل*، رشت: کتیبه گیل.